

مناظرهء کاکه تیغون و کربلایی

بخش سوّم

سال دوّم

جمعه شانزدهم ماه نوامبر 2007، شب درجه حرارت پائین صفر و روز هوا قدری ابری و درجه حرارت بالای صفر است، وزش باد از بین رفته و رویهمرفته روز خوب زمستانی به شمار میرود (هرچند که هنوز خزان است)، دوستان یکدل در خانهء کاکه تیغون یکجا شده و بعد از صرف نهار که از طرف کربلایی تهیه و آورده شده است، پیاله های چای را پر ساخته و صحبت را باز هم کاکه تیغون شروع میکند:

کاکه تیغون: کربلایی جان، دیروز یک دوست زمان مکتبم، دو مطلب بسیا جالبه تیلیفونی از سویس برم قصه کد، او دوستم زمری کاسی نام داشته و بسیا آدم کنجکاو و قدری زر زریست، ای گپا عبارت ان از:

یک: گفت "رئیس آژانس خبری آلمان آغای دیک مارتی موضوع اختتاف (اختطاف) یا چور کردن مردمه توسط امریکایا از روی سرک ده هر کشوری که باشن، به مجرد اندک اشتباه (که وام پسان غلط میبرایه)، تکه سیاره ده سر شان انداخته، ده میدان هوایی بورده و به اجازی حکومتای ده سر راه اوناره می بره، ده زندانای خود و باد از تاقیقات با شکنجه یانی لت و کوب اگه چیزی بدست نامد و گپ غلط برآمد اوناره زده و زخمی و توهین شده ایلا میکنه"، با شنیدن ای گپ، بسیا وارخطا شدم و گفتم که حال همی آغای سیرته که او روز ده کنفرانس مسکین یار بسیا بی پرده گپ زد و راستیام گفت، یکدغه چور نکنن و او بیچاره ره، ده ای سن و سال پیری لت و کوب و شکنجه نتن، اما زمری جان گفت نی اوتو نمیشه!

دو: زمری کاسی گفت: (وختی که مه ده سال 1971 و 72 ده اوغانستان ده مؤسسه پیسکورت یا پیسکور یانی هیأت صلح که از طرف کنیدی پایه گذاری شده بود، کار میکدم و آمر پروگرام های گندم مقابل کار بودم) پنجصد هزار تن گندم امریکایا کمک کده بودن)، از طریق رادیو شنیدیم که باد از خشکسالی سال 71، ده بهار 72 باریش فراوان باران سیلهای بسیا مدهش (مدحش) ده سراسر اوغانستان جاری شد، از جمله ده اوروزگان (ارزگان) و بازی جاهای دگه مردم به قحطی مواد غذایی مواجه شدن که حتا به خوردن علف شروع کدن و از ای نگاه به امراض گوناگون مواجه و شکم های شان آماس کده بود، مه پیشنهاد ارسال چند لاری گندمه به اوروزگان کدم، که صادرات آنوخت، سفارت امریکا و اداره پیسکور اوره تائید کد، وختیکه نفر های ما نزدیک اوروزگان رسیدن، دیدین که پل سر دریا ره که یگانه راه رسیدن به ولایت بود سیل برده، نا چار به کابل برگشت کدن و مه یک درخواستی به آغای سیرت که وزیر مشاور بود و میگفتن آدم دیندار اس، نوشته و خواهش کدم، که از وزارت دفاع یک پروند هیلی کوپتر برای ما بتن که گندم ازی طرف دریا به او طرف دریا بورده و مردمه از گشنه گی و مرگ نجات بتیم، آغای سیرت گفت: "بُرو آغا، ای کار وظیفه ما نیس"، ای آغای سیرت ایطو آدم اس، چطو حال بری مردم سل (صلح) میخایه، ده حالیکه مردم گشنه ره نمی خاست که سیر شوه، ای جلسه وای آدامام پیش کده استن، که مردمه فریب بتن) حال اگه ای گپ راستی باشه، کربلایی جان یام (اینها هم) مثل آغای کرزی نرمه فیس او دار بوده و ماسک می پوشن!

کربلایی: کاکه جان، گپای کته کته زن، مردم ما همه شان بسیا تغییر کدن و آغای سیراتم حتمن ده سر خود خورده وای جنگ ها، کشت و کشتار مردم بیگناره که می بینه، دلش می سوزه و طرفدار سل (صلح) شده و امدفه اگه ده رتبه بالا تر برسه از دل مردم گشنه میایه وحتا از جیب خود بری شان کومک خات کد.

واما آغای کرزی ای بیاناتی ره که ده مورد بازی آزای کابینه وشورا میته و میگه که اینا ده چرت مردم نیستن و خودشان ده قصرای شاهانه و آیینه بندان زنده گی می کنن و مردم نان ندارن ویا ممثل واری یانی کسی که ده سانه تمثیل (صحنه تمثیل) کار میکنه، دستک زده و خیزک زده مثل بوش گپ میزنه و عوض آغای حاجی کامران، اعلانات قلم و فیوس، سوچ و کیبیلای برقه میگه، عجیب مالوم میشه و از مقام ریاست جمهوری ده تاریخ اوغانستان اول بار اس که ای ابتکار اعلان تجارتي ره نموده، ده حالیکه اکثریت قریب به اتفاق مردم برق ندارن و شاید همیام ساخت کدام کشور دگه باشه، که سرش تاپه اوغانی ره زدن، مثلیکه سابقام سگرت ساخت اوغانستان روان کده بودن و بریت بگویم که کرزیام کدام گپی داره و چیزی بریش دیکته شده، که امدفه به گفته همو خبر نگار، اشخاص بلند رتبه ره از یک چوکی بزرگ ده دگه چوکی کلان لول نمیته، امدفه حتمن بریش صلاحیت داده شده که کاملن اوناره خانه نشین بسازه تا پیش مرد مام کریدت بگیره وده انتخابات آینده هم چیزی بری گفتن داشته باشه.

کاکه تیغون: کربلایی جان خی منتظر کدام انقلاب اداری حکومتی باشیم.

کربلایی: بلی کاکه جان واما اگه حالام چند نفر بلند رتبه ره برطرف نکنه بل کل (بلکل) پیش مردم حیثیت خوده می بازه و مردم مام خات گفتن: ای گریانوک دروغگوی.

هر دو دوست میخندن و کاکه تیغون باز هم کدام فکاهی، چیستان یا شعر طلب میکند.

کربلایی: فکاهی ندارم کاکه جان، چیستان هم ندارم، یک کیست آن بریت میگم که تو باید نفرهایشه پیدا کنی .

کیست آن:

کیستند آن کسان جنگ انداز
بی سوادان کچه چیچله باز
روز و شب فحش و سب و دشنام است
دل پُرنده قرچه وار بر سر باز
دل شان پُر ز عقده های قدیم
کلّه ها بسته و دهان شده باز
سخن جلف و ناروا گویند
با تکبر غرور و با صدد ناز

بگو کاکه جان، یا (اینها) کی ها هستن؟

کاکه تیغون: یا حتمن اونه همو مثلث مسکینار، سیغانی (امیری) و شکیب پُچل استن.

کربلایی: آفرین کاکه جان، نام خدا بسیا هوشیار شدی!

کاکه تیغون: کربلایی جان ببخشی که مه ده گپت در آدمم، از BBC شنیدم که زندانیای زن بسیا توهین و تافیر (تحقیر) میشن وحتا گفتن که ده زندان زنانه تجاوز جنسی هم میشه، ای بینی بریده گی ره کرزی کجا خات بُرد؟

کربلایی: کاکه جان ای رقم گپا خوب نیس هیچ نشنو و دگه هوش کو که بری دگه کسا هم نگوئی .

کاکه تیغون: کربلایی جان، میگن که پاکستانه از کامنولیت کشیدن، او چه مانا میته؟

کربلایی: کاکه جان ای گپه با گپای نو دیگه ده سویت بادی بریت میگم، حالی بیابریم جماعت خانه که ناوخت میشه!

بخشهای دیگر انشالله در هفته های آینده